

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه های ساختاری

نویسنده : مجید مرادی



انتشارات مارلیک



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مرادى، مجيد، ۱۳۶۴ -	مرشناسه
مجموعه‌های ساختاری/تألیف مجید مرادی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: مارلیک، ۱۳۹۸.	مشخصات نشر
۱۶۶ص.	ملاحظات فیزی
978-600-5284-81-2	شابک
فیفا	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه.	یادداشت
حجم‌سازی	موضوع
Plasticity (Art)*	موضوع
N۷۴۳۳/۹۵	رده بندی کنگره
۷۱	رده بندی دیویی
۵۸۰۰۴۵۵	شماره کتابشناسی ملی



انتشارات مارلیک

نام کتاب: مجموعه‌های ساختاری

ناشر: انتشارات مارلیک

نویسنده: مجید مرادی

ویراستار: مریم مدنی

شمارگان: ۲۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸

بهاء: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۲ - ۸۱ - ۵۲۸۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

فهرست

مقدمه

- ۱۱ مجموعه های ساختاری
- ۲۳ خطوط و علائم جوهری
- ۳۱ ارتباط بین دو بعد و سه بعد
- ۴۷ حجم به ای ساختاری: ساختار حجم و اشیاء توده ای
- ۶۳ مفاهیم دینامیکی فرم
- ۷۷ تشکیلات ذاتی فرم
- ۸۹ تشکیلات هوشیارانه فضا
- ۹۹ فرم در گیاه: واحد ساختاری
- ۱۱۱ پلانها و سطوح منحنی: نیروها و کششهای سطحی
- ۱۲۵ بافت سطح
- ۱۳۳ ارتباط دینامیکی: نیروها، کششها و سکون(توازن)
- ۱۴۹ تعادل نیروها در منظره

مقدمه

شاید حق نویسنده این کتاب باشد که در آغاز کار به اطلاع برساند که او همیشه دربارهٔ هنر کتابی که با تمرینات هنری سر و کار دارد با دیده تردید می‌نگرد... هنرمندان دیگر یک فعالیت بی‌نهایت پیچیده هستند. آنها سعی می‌کنند نظرات خودشان را نسبت به زندگی با تصورات بصری نشان دهند - این تصور اشتباه است که مهم‌ترین ملاک کیفیت در هنرهای بصری را مهارت تشکیل می‌دهد. مهارت استفاده از مواد را نباید به حساب هنر مندرج کردن آن شخص دانست.

اگر صلاحیت فنی و تکنیکی اهمیت زیادی ندارد، پس چه موضوعاتی از این کتاب با کارهای خلاق هنری ارتباط دارند؟ سخ ما در این بخش آن است که مهارت نسبت به آگاهی و ظاهر اشیاء نسبت به معنای مقصود زیباشناسی از اهمیت کمتری برخوردار است همانطور که ماهیت تخیل همانند ماهیت حسسی، کمتر این اهمیت را داراست. این فرض را نمی‌توان با انتقال کلمات برای توضیح داد، اما به طور ناقص قدرت مرموزی از تصویربصری وجود دارد. ما به سیریهٔ شکل و رنگ و بافت روی فرم و فضا اثر می‌گذاریم اما غیرممکن است که بتواند به این توضیح دهیم. البته اگر به این اصل اعتقاد داریم که هنر بطور قابل توجهی با تجربهٔ انسان توسعه پیدا می‌کند و جهان با اضافه کردن یک بعد جدید به آن بزرگ می‌شود باید تلاش کنیم.

هنرمند با تصویر ذهنی هنر زندگی می‌کند، نوعی «دست» مرموز از هنرمندان بزرگ تاریخ تا به امروز وجود دارد مشروط به ژرفای تاریخی و این نقاط عطف بطور کلی از متن هنر و معماری کهن و معاصر ساخته خواهد شد. مفاهیمی که در این کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد اساساً محدود به زمان خاصی نیست. آنها در هنر قرون گذشته یافت می‌شوند و هنرمردن روندی تکاملی، منطقی و طبیعی از هنر گذشته است. میل مفرط به طراحی در همه کودکان غربی است آنها از طراحی به عنوان یک روش خیلی شخصی و خصوصی برای بیان حافظه، علاقه و حالات خود استفاده

می‌کنند و نمایش صحیح موضوعات در بین آنها جایگاه خاصی ندارد. اما همانطور که بچه‌ها در تمدن ارتباطی قوی رشد می‌کنند، در فرهنگ شفاهی میل ترکیبی اولیه‌شان برای خلق تصورات ذهنی اصالتاً کم‌کم نشست پیدا می‌کند و طراحی به «هنر تجارتي»، «هنر صنعتی» و یا هنرهای زیبا پیوند می‌خورد. فلسفه این کتاب در این است که طراحی باید توسط هنرجویان مبتدی برای ثبت واکنشهای شخصی و غریزی خودشان نسبت به انواع محرکها مورد استفاده قرار بگیرد. خواه در آغاز با احساسات شروع شده باشد یا با درک مستقیم یا هیجانات و یا باهوش و عقل بدست آمده باشد. همچنین ما عقیده داریم که طراحی اولین مفهوم بیان هنری است، قطعه‌ای از یک مجسمه، یک اثر معماری، یک نقاشی و یا یک چراغ مطالعه، در ابتدا اغلب دربردارنده شکلی است به عنوان طراحی. این دو عنوان فرعی کتاب می‌تواند کشف طرح از میان طراحی باشد. اگر ما نور از آرش الگو باشد، تشکیلات بصری و فنی کار هنری و طراحی طرح بطور پیچیده‌ای هم روبرو هستند، اگر چه ما ممکن است بدون هیچ توجهی به طرح، طراحی کنیم. البته طرح با تمام طراحی بطور ناخودآگاه ظاهر می‌شود. طراحی در این موضوع مورد بحث استفاده از هر واسطه برای علامت گذاری روی یک سطح طراحی را اهمیت می‌دهد و چرا، فرم بصری واقعی یک ایده، یک احساس یا تصویری در ذهن را مجسم می‌کند. با توجه به تعاریف طراحی که در این کتاب آمده هنرجو درگیر یک سری تجارب اصلی می‌شود. او می‌خواهد که مشتاقانه به هر چیزی نگاه کند بیشتر تحقیق و بررسی کند تا بطور آسانی بپذیرد. او با مشکلات بسیاری در زمینه فرم و عناصر فراگیر فضا روبرو می‌شود. بعد از مشاهداتش نسبت به فضا و فرم فهم و درک بیشتری کسب می‌کند. «بچه‌ها قادر به درک هر دو آنها بطور جداگانه هستیم». خواننده می‌خواهد که توجه و علاقه نسبت به این مورد توسعه دهد یک پاسخ زیباشناسی به فرم و فضا بدهد ما امید داریم که در هر تجربه این دو موضوع را مورد بحث قرار دهیم این پاسخ زیباشناسی می‌توانیم از دو منبع عقل و احساس بدست آوریم. هر دو مورد روشهایی برای آگاهی و تشخیص کیفیت‌های مربوط به فرم و فضا می‌باشد که حس تشخیص زیباشناسی ما را فعال می‌کند. عقل و احساس باید یک پاسخ مناسب بسازند و هر دو مورد در این تجارب مطرح می‌شوند.

یک کار پرسپکتیو به تنهایی، حتی وقتی کاری زیرکانه باشد یک اثر هنری را بوجود می‌آورد. همچنین باید یک نیروی اجباری از تخیل وجود داشته باشد، زیرا تنها تخیل می‌تواند با هنر روبرو شود ما می‌گوییم یک شخص وقتی دید، عمق دارد که بتواند ظرفیتی از دریافت بالاتر را با تخیل حساس ترکیب کند و بشدت تحت تأثیر حالت قرار بگیرد. بخش دوم از این کتاب به هنرجو واقعیت تخیلی هنر را معرفی می‌کند. فصل‌هایی از کتاب به شکل یک سلسله از تجارب تصور می‌شود که برای کار

بعدی تجاربی از بخشهای اولیه را بنامی‌کند. البته هیچ سخت‌گیری در اندازه وجود ندارد. استاد یا دانشجو می‌توانند انتخاب کنند که کار را با فرم تکمیل کنند قبل از آن که درگیر فضا شوند - یا برعکس - هر طور که آنان بخواهند. هدف از این شروع کار در هنر، بیدار کردن حس کنجکاوی دیداری خواننده و اطمینان بخشیدن به او می‌باشد بنابراین فرد می‌تواند با آمادگی مقصود خودش را در طراحی بفهماند هنرجو تشویق می‌شود که آگاهی‌اش را نسبت به موضوعات و فرمهای اطراف خودش عمیق‌تر کند؛ و توانایی‌اش را در عکس العمل به این اشکال بالا ببرد، و توجهات شخصی‌اش را در چیزهایی که موجب آگاهی نسبت به فرم و فضا می‌شود معطوف کند - و نتیجه آن که توانایی دید شخصی را افزایش می‌دهد - همه این موارد فاکتورهای اصلی هستند که هر هنرجوی تخصصی هنر باید از آنها آگاهی داشته باشد.

هر فردی توانایی خلاقیت در هنرهای بصری را دارد - این موضوع حتی در کودکان هم صادق است، در عین حال در بزرگسالان و جوانان هم صدق می‌کند البته در بزرگسالان نوع توسعه یافته‌ای از توجه چشم و گوش بسته کودک وجود دارد که حس تجزیه و ترکیب آنها را تقویت می‌کند.

همه انسانها را نباید با پُل کله و یا هنری ماتیس مقایسه کرد، البته همه انسانها ممکن است همان را تاندردهای تخیل و بصیرت را که ما از آنها انتظار داریم در مقالات و کتابهای هنر را برای خریش فراهم کنند، البته به گونه‌ای که خواننده‌قادر باشد اعتماد بیشتری نسبت به خلاقیت و تقلید و کار طراحی پیدا کند، او باید بعضی استانداردهای قضاوت زیباییشناسی را کسب کند تا بتواند اصل را از جعل و ایده را از تدبیر و هنر را از مهارت تشخیص دهد. به‌مانطور که ماکس شلر می‌گوید، هدف هنر دوباره خلق کردن آنچه هم اکنون فرو رفته است نیست (آنچه که زاید باشد) و خلق چیزی در نمایش خالص خیال ذهنی هم نیست. آنها می‌تواند زودگذر باشد و نیاز به بی‌طرفی کامل بین افراد دارد، اما هدف هنر تأکید بر کل دنیای خارجی و روح دارد، دیدن و ارتباط برقرار کردن واقعیت‌های عینی درون آن، قانون و قراردادی که تاکنون پنهان بوده است.